



صاحب‌دل، حسین؛ زهراکار، کیانوش؛ دلاور، علی (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی). پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۵(۲)، ۴۶-۳۲.

شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی)

حسین صاحب‌دل^۱، کیانوش زهراکار^۲، علی دلاور^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۳۰

چکیده:

هدف: شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق است.

روش: از نوع کیفی با استفاده از نظریه داده بنیان است و جامعه آماری شامل کلیه زوج‌های ساکن شهر تهران بوده که دارای حداقل ۲ سال سابقه زندگی مشترک می‌باشند. به منظور تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس نمونه‌گیری نظری استفاده شده است که در نهایت ۱۲ زوج که خود را موفق توصیف کرده و در پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر و پرسشنامه احساس مثبت نسبت به همسر نمره بالا (دوانحراف معیار بالاتر از میانگین) کسب نمودند مورد مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز و محوری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد، شاخص‌های تعیین‌کننده ازدواج موفق، طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. شاخص‌های شناسایی شده عبارت بودند از: شاخص‌های فردی، شاخص‌های تعاملی، شاخص‌های مربوط به خانواده اصلی و شاخص‌های فرهنگی. هر یک از شاخص‌های بدست آمده مقوله‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. یافته‌های پژوهش می‌تواند برای روانشناسان و مشاوران ازدواج مثمر‌ثمر واقع شود.

واژه‌های کلیدی: ازدواج موفق، عوامل تعاملی، عوامل فردی، عوامل فرهنگی، عوامل خانواده اصلی

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران، Pcsahebdel1365@gmail.com

۲. استاد یار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران.

۳. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

ازدواج مهم ترین پیوندی است که بین دوفرد رخ می دهد. این پیوند، سرآغاز شکل گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان ها بوده که با تربیت نسل های بعدی و بقای زندگی بشر در ارتباط است (Myers, Madathil.&Tingle, 2005). پدیده ازدواج، در هر جامعه از ویژگی های منحصر به فرد برخوردار بوده و تابع قوانین خاص آن جامعه می باشد. در کشور ما، ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می دهد. این پیوند هرچقدر استحکام بیشتری داشته باشد، سلامت جامعه را بیشتر تامین می کند (Sarookhanimn, 2006). هیچ فردی در این دنیا وجود ندارد مگر اینکه او را متعلق به یک خانواده بدانیم. از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می دانیم، پس هر فردی نتیجه یک ازدواج است که می توان آن را موفق یا ناموفق نامید (Segrin & Flora, 2005). ازدواج موفق معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی باهم به کار می روند. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا بوده و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند. (Bradbury & et all, 2000) سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و مرد در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت بخش در بین زوج ها از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از یکدیگر و پذیرش و تفاهم قابل ارزیابی است (Fathi ashtiani & Ahmadi, 2004). در بین منابع موجود، یافتن تعریف جامع و قابل اتکا، برای ازدواج موفق، کار دشواری است. اما، به نظر می رسد، ازدواج موفق مفهومی فراتر از رضایت و سازگاری زناشویی باشد. زوج ها ممکن است، باهم سازگار باشند، اما رضایت از رابطه نداشته باشند (sanaii, 2008). زوج های موفق، باهم سازگار بوده و احساس خشنودی و لذت نسبت به ازدواجشان دارند. همچنین زوج های موفق، خود را به عنوان افرادی توصیف می کنند، که به اهداف ازدواجشان دست یافته اند (Luquet, 2007). ازدواج موفق با مفهوم کیفیت رابطه زناشویی در ارتباط است. زوج های موفق، کیفیت رابطه زناشویی خود را در سطح بسیار بالا توصیف می نمایند (Madathil, & Benschhoff, 2008). کیفیت رابطه زناشویی بین دوفرد، کارکرد آتی خانواده را تعیین می کند و زیربنای سلامت روانی و جسمانی اعضای آن را شکل می دهد. ازدواج موفق، به عنوان هدفی آرمانی برای کسانی محسوب می شود که به این رابطه تن می دهند (Myers, Madathil.&Tingle, 2005). روس و میروسکی (ross & mirowsky, 1999) اشاره می کنند، افرادی که در روابط حمایتی درگیر می شوند، عمر طولانی تری دارند، چرا که ازدواج و روابط حمایتی، احساس مراقبت شدگی و توانایی مقابله با بیماری ها را در فرد افزایش می دهد. پژوهش ها نشان داده است که افراد متاهل و پایبند به رابطه از سلامت روانشناختی و جسمانی بهتری نسبت به بیوه ها و مطلقه ها برخوردارند (Kim & Mckenry, 2002). وجود

ناسازگاری زناشویی علاوه بر اینکه سلامت زوج را به خطر می‌اندازد، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات و تخطی از ارزش‌های جامعه می‌گردد (Fathi ashtiani & Ahmadi, 2004). در ازدواج‌های موفق رضایت و سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد و این خود موجبات سلامت و رفاه جسمانی، روانی را فراهم می‌آورد. ازدواج موفق مجموعه‌ای از نیازهای روانی زوجین از قبیل عشق، مصاحبت، صمیمیت را برآورده ساخته و احساس باهم بودن و تشریک مساعی را در افراد تقویت می‌کند (birashk, 2009). از طرفی، بسیاری از نویسندگان، دو سال اول ازدواج را دوره بحرانی ازدواج می‌دانند و معتقدند، ثبات زندگی زناشویی در سال‌های بعدی افزایش می‌یابد (Mckenzie, 2003).

با توجه به اهمیت روزافزون پدیده ازدواج و نقش آن در سلامت و پویایی نسل آینده و همچنین گستردگی و تنوع در معیارهای انتخاب همسر، به نظر می‌رسد، در این حوزه کمبودهای پژوهشی زیادی وجود داشته و انجام تحقیقات نظام‌دار و قابل اطمینان، بیش از پیش لازم است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه خانواده و ازدواج، به بررسی دلایل شکست، ناکامی و زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی و طلاق محدود شده‌اند (south, Wolfinger, 2003؛ Bramlett. & Mosher, 2001؛ mohsenzadeh, 2010). (2001).

در حالی که، تعیین معیارها و شاخصه‌های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است. از طرفی، پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه ازدواج سالم، اغلب در ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت از فرهنگ ایران صورت گرفته است (Mckenzie, 2003؛ Olson & Olson, 2000). بدیهی است، شکل‌گیری یک ازدواج موفق، نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی بدور باشد. فرهنگ از مهمترین عواملی است که بر فرایندها و پیامدهای روابط زناشویی تاثیر می‌گذارد. ارزشها، باورها و هنجارهای فرهنگی، علاوه بر اینکه دیدگاه افراد نسبت به خودشان را شکل می‌دهند، دیدگاه آنها به صمیمیت، عشق و روابط نزدیک را جهت می‌بخشد. مطالعات بین‌نژادی حاکی از آن است که اولاد نژادهای مختلف میزان متفاوتی از فروپاشی و طلاق را تجربه می‌کنند، ثانیاً عواملی که منجر به طلاق می‌شوند در بین نژادهای مختلف متفاوت هستند (Bramlett & Mosher, 2001). از اینرو نمی‌توان نتایج حاصل از تحقیقات انجام گرفته روی فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر تعمیم داد. پژوهش‌های داخل‌نژاد، به بررسی مسائلی از قبیل، سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند، درحالی‌که ازدواج موفق، مفهومی فراتر از سازگاری و رضایت زناشویی است، همچنین، این پژوهش‌ها، از نظر روش‌شناسی، به بررسی‌های تک‌متغیره، و کاربرد روش‌های کمی، محدود شده‌اند (abdollahzadeh, 2002؛ gholizadeh, 1999؛ Masahebi, 2002؛ Sayadpoor, 2002).

پژوهش های صورت گرفته با روش های کیفی نیز، بیشتر به بررسی شرایط پیش بینی کننده ازدواج موفق پرداخته (karimi sani & et all,2010) و یا از توان تبیین کنندگی و تعمیم ضعیف برخوردارند (asoodeh & et all,2010).

بررسی های پژوهشگر نشان می دهد، موضوع ازدواج موفق، به ندرت مورد توجه محققان بوده، و حتی در خارج از ایران، مورد استقبال واقع نشده است. محققان و نظریه پردازان داخلی، اغلب به شناسایی علل زمینه ای، رضایت زناشویی پرداخته اند و نتوانسته اند، تعریف جامع و روشنی از ازدواج موفق ارائه نمایند. پژوهش های خارجی، نیز بسیار اندک بوده، و از طرفی، با توجه با نقش مهم و اساسی فرهنگ در فرایندهای ازدواج و تشکیل خانواده، نتایج این پژوهش ها، در فرهنگ بومی ایران، از قابلیت تعمیم برخوردار نیست. در این زمینه، سوال اساسی که ذهن پژوهشگر را به خود مشغول ساخته این است که، شاخص های ازدواج موفق در فرهنگ بومی ایران چیست و ازدواج موفق، در ساختار فرهنگی ایران، چگونه تعریف می شود؟ پژوهش حاضر درصدد است، با استفاده از روش نظریه داده بنیان، به مطالعه و شناسایی شاخص های ازدواج موفق در فرهنگ بومی ایران بپردازد. آنچه در پژوهش حاضر اهمیت دارد، شناسایی عواملی است که در لحظه کنونی موفقیت ازدواج را تعیین می کنند. از اینرو، شناسایی علل زمینه ای و عوامل مربوط به گذشته مورد توجه نخواهد بود.

روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به منظور جمع آوری داده ها از نظریه داده بنیان استفاده شده است. علت انتخاب این روش این است که در رابطه با هدف پژوهش حاضر، داده های اندکی در دسترس است و با توجه به نبود ابزار در این زمینه، پژوهشگر به یک رویکرد جامع جهت جمع آوری اطلاعاتی که شناخته شده نیست نیازمند است. روش داده بنیان روشی ایده آل برای پژوهش در حوزه هایی است که دانش اندکی درباره آن ها در دسترس است (Mohsenzadeh,2010).

به طور کلی مراحل انجام نظریه داده بنیان عبارتند از: تدوین پرسش های پژوهش، گردآوری داده ها، کدگذاری داده ها در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی (Krahn & Putnam,2003). در پژوهش حاضر مراحل فوق (به جز مرحله کدگذاری گزینشی) با تحلیل های لازم انجام گردید. تکنیک عمده برای جمع آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. جامعه آماری شامل کلیه زوج های ساکن در شهر تهران بوده که حداقل دارای دو سال سابقه زندگی مشترک بودند.

برای انتخاب نمونه، از دو شیوه نمونه‌گیری استفاده شد. ابتدا نمونه‌گیری از جامعه در دسترس صورت گرفته و زوج‌های انتخاب شده، برای ورود به مطالعه باید معیارهای ذکر شده را دارا می‌بودند: (۱) گرفتن نمره بالا (دو انحراف معیار بالاتر از میانگین) در مقیاس احساسات مثبت نسبت به همسر و مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر^۱ (۲) براساس مصاحبه خود را به عنوان زوج‌های موفق توصیف کنند. در مرحله بعدی، به روش نمونه‌گیری نظری، گروه نمونه نهایی تعیین شد. در نمونه‌گیری نظری، زمانی که سیستم مقوله‌ها یا به اصطلاح "نظریه" اشباع شود، فرایند جمع‌آوری اطلاعات متوقف می‌شود (Mackleod, 2001). در مجموع ۱۲ زوج مورد مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته قرار گرفتند و مصاحبه‌های آنها مورد تحلیل قرار گرفت. فرایند کار بدین ترتیب بود که، با رعایت اصول اخلاقی پژوهش و کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها به طور دقیق ضبط می‌شد و سپس نکته به نکته روی کاغذ پیاده می‌شد. اولین مصاحبه، با سوالات اولیه پژوهشگر در زمینه زندگی مشترک آغاز شده و با توجه به پاسخی که دریافت می‌شد، سوالات بعدی در ذهن پژوهشگر شکل می‌گرفت.

بدین ترتیب مصاحبه‌شونده از آزادی نسبی برای بیان آنچه در زندگی او و همسرش وجود داشت برخوردار بود. پژوهشگر سعی می‌کرد موارد مهم را با دقت بیشتری دنبال نماید. پس از انجام هر مصاحبه، فایل ضبط شده آن مصاحبه روی کاغذ پیاده می‌شد و با استفاده از فنون ذکر شده توسط اشترواس و کریبن (Corbin, 1998 & Strauss) تحلیل سطر به سطر انجام شده و کدهای بدست آمده ثبت می‌شد.

پس از تحلیل مجدد و دسته‌بندی کدهای بدست آمده، مقوله‌های کلی در ذهن پژوهشگر شکل گرفته و در ادامه مصاحبه‌ها، هدف پژوهشگر کامل کردن و اشباع آن مقوله‌ها بود. در واقع وقتی تحلیل مصاحبه اول تمام شد، پژوهشگر با سوالات تازه‌ای که در ذهن داشت به سراغ زوج بعدی رفته و مصاحبه را با آن سوالات شروع می‌کرد. سپس به زوج اجازه داده می‌شد تا عمیقاً در مورد سوالات فکر کرده و پاسخ‌های مناسبی ارائه دهند. همچنین مصاحبه‌شونده‌ها علاوه بر پاسخگویی به سوالات، اطلاعات جدیدی نیز ارائه داده و بدین ترتیب پژوهشگر را وادار به واری‌بیشتری می‌کردند.

مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که مقوله‌های شکل گرفته به درجه اشباع رسید. اشباع مقوله‌ها زمانی ممکن می‌شد که داده جدیدی در رابطه با آن مقوله بدست نمی‌آمد. در نهایت پس از رسیدن به نقطه اشباع برای تمام مقوله‌ها (با انجام نه مصاحبه)، سه مصاحبه اضافی نیز انجام شد تا اطمینان خاطر بیشتری حاصل گردد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو روش استفاده شد:

- (۱) کنترل و اعتبار یابی توسط گروه نمونه: در این روش مصاحبه های ضبط و ثبت شده برای اطمینان بیشتر به مصاحبه شونده ها بازگشت داده می شد تا از صحت اطلاعات ارائه شده، پژوهشگر را مطلع سازند.
- (۲) ارزیابی توسط داوران: در این روش، دونفر از متخصصان به عنوان داور، بخشی از مصاحبه ها را مورد تحلیل قرار داده و تحلیل های آنها با تحلیل های پژوهشگر، مقایسه شده و در نهایت توافق کلی حاصل گردید.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر

پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر برای اولین بار توسط آزرین و همکاران^۱ در سال ۱۹۷۳ تدوین شد، و بعدها اسپانیر آن را تکمیل کرد و توسعه داد (sanaii,2008). اعتبار این پرسشنامه در پژوهش اسپانیر با روش همبستگی درونی و با استفاده از ضریب آلفا ۰/۹۱. و روایی آن با استفاده از روش هم‌تاسازی (پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ) ۰/۸۶. بدست آمده است.

فتحی آشتیانی و احمدی (fathi ashtiani & ahmadi, 2004) در پژوهش خود، ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۹۴. بدست آورده اند.

این پرسشنامه دارای ۳۲ ماده در زمینه سازگاری زناشویی، از قبیل تفاهم، چگونگی ارتباط با همسر، میزان روابط عاطفی، نوع احساس نسبت به همسر، میزان رضایت از همسر در ابعاد مختلف زندگی، میزان مشاجرات، همکاری و ارزشیابی از آینده زندگی با همسر می باشد. ثنایی (sanaii,2008) میانگین نمره این پرسشنامه را ۱۱۴/۸ ذکر کرده است.

پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر

این پرسشنامه شامل ۱۷ ماده بوده که برای اندازه گیری احساس کلی فرد نسبت به همسر طراحی شده است. پرسشنامه مذکور برای اولین بار در ایران توسط ثنایی (sanaii,2008) ترجمه شد. ثنایی (sanaii,2008) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۹۴. گزارش کرده و روایی همزمان آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر در حد مطلوب گزارش شده است.

همچنین میانگین نمره این پرسشنامه برای مردان، ۱۰۰/۵۲ و برای زنان ۱۰۴/۲۵ ذکر شده است.

یافته‌ها

جدول ۱: مشخصات مصاحبه شونده‌ها

شماره مصاحبه شونده	سن	جنس	سال‌های زندگی مشترک	تعداد فرزندان	تحصیلات	اختلاف سنی با همسر	شهر محل زندگی	قومیت خود و همسر
۱	۳۸	مرد	۱۲ سال	۳	دیپلم	۷۵ روز	تهران	هر دو فارس
۲	۳۳	زن	۸ سال	۱	فوق لیسانس	۵ سال	تهران	ترک و فارس
۳	۲۸	زن	۶ سال	۱	لیسانس	۱۲ سال	تهران	هر دو فارس
۴	۲۶	زن	۲ سال	۰	لیسانس	۳ سال	تهران	هر دو فارس
۵	۳۰	زن	۴ سال	۱	لیسانس	۱ سال	تهران	هر دو فارس
۶	۲۹	زن	۵ سال	۲	لیسانس	۴ سال	تهران	فارس و لر
۷	۳۲	زن	۱۱ سال	۱	لیسانس	۳ سال	تهران	هر دو فارس
۸	۳۰	مرد	۵ سال	۱	فوق لیسانس	۴ سال	تهران	لر و فارس
۹	۳۹	مرد	۱۲	۲	لیسانس	۸ سال	تهران	هر دو فارس
۱۰	۲۹	مرد	۳ سال	۰	فوق لیسانس	۲ سال	تهران	فارس و ترک
۱۱	۴۱	مرد	۱۳ سال	۲	دیپلم	۳ سال	تهران	کرد و فارس
۱۲	۲۵	زن	۳ سال	۰	لیسانس	۶ ماه	تهران	هر دو فارس
میانگین	۳۱/۶۶	۵ مرد و ۷ زن	۷	۱/۱۶		۳/۸۰		

جدول ۲: کدهای حاصل از مصاحبه‌ها و مراحل تحلیل آن

کدهای آزاد	مقوله‌ها	طبقات اصلی
دوست داشتن همدیگر، علایق مشترک، گذران اوقات فراغت با یکدیگر، تلاش برای خوشنود کردن همسر، اهمیت دادن به رضایت همسر، استفاده از جملات عاشقانه، سرمایه گذاری زمانی برای همدیگر، اهمیت دادن به خواسته‌های همسر، صمیمیت و وابستگی، لذت بردن از بودن در کنار همسر	عشق و صمیمیت	تئورهای تعاملی
اطمینان به حمایت همسر، حمایت از همسر در همه موارد، دلسوزی و نگرانی برای همسر، اهمیت دادن به نیازهای همسر، کاستن از درد و رنج همسر در موارد بحرانی، همدلی و درک همسر، حمایت عاطفی، دلسوزی	حمایت و مراقبت	

دروغ نگفتن به یکدیگر، پنهان نکردن مسائل مربوط به زندگی زوجی از همسر، آگاهی از خواسته های قلبی همدیگر، روراستی در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی، عدم تلاش برای فریب همسر	صداقت با همسر
شک نداشتن به همسر، وفاداری به همسر، اعتقاد به عشق همسر نسبت به خود، وفاداری به پیوند زناشویی، بیزاری و دوری از افکار خیانت آمیز، تعهد و احترام به رابطه زناشویی با همسر	اعتماد و تعهد
تفاهم در تربیت فرزندان، داشتن درک یکسان از عشق و زندگی زناشویی، گذران اوقات فراقت با مشورت یکدیگر، تفاهم در مورد مکان زندگی، احترام به تفاوت ها، تصمیم گیری مشترک، درک دیدگاه های همسر، احترام به نقطه نظرات یکدیگر، شناسایی موارد اختلاف و تلاش برای رسیدن به نقطه نظر مشترک، تفاهم در مسائل اقتصادی	تفاهم
روابط جنسی متعادل و رضایت بخش، تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، شریک جنسی خوب بودن، احترام به خواسته های جنسی یکدیگر، اهمیت دادن به نیازهای جنسی، اشتراک نظر در زمینه روابط جنسی	رضایت جنسی
کمک به همسر در کارهای منزل، کمک به همسر در مسائل اقتصادی، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک و همکاری در امور مختلف	همکاری
داشتن برنامه مشترک، صحبت کردن در مورد آینده زندگی با همسر، خوشحالی به خاطر موفقیت های همسر، سهم بودن در آینده همسر، هدف مشترک، برنامه ریزی مشترک	هدف و برنامه مشترک
تشویق همسر به صبر و بردباری، تشویق همسر به برنامه ریزی، تشویق همسر به داشتن روحیه شاد، تشویق همسر به همکاری و مسئولیت پذیری، تشویق فضایل اخلاقی، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس گزاری، تمرکز بر نقاط مثبت همسر، تشویق روابط سالم، تشویق و همراهی در حل مسائل	تشویق رفتارهای سالم
برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی، کوچک شمردن مشکلات، تلاش برای حل اختلافات با روش های سالم، بی اعتنایی به اختلافات جزئی، حل اختلافات با مشارکت همدیگر، شناسایی و راحل یابی برای مشکلات، حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکل، اتخاذ تصمیمات منطقی در مواقع بروز مشکل	مدیریت تعارض
گوش کردن به یکدیگر، توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن یکدیگر، دنبال نکردن موارد منفی، سرزنش نکردن دیگری، نپردن توی حرف همدیگر، رک بودن، توان ابراز عواطف و خواسته ها، گفتن خواسته های خود به همسر به طور مستقیم، توانایی برقراری ارتباط سالم، رک بودن در ابراز خواسته ها	مهارت های ارتباطی
اجازه ندادن به دخالت های بی مورد دیگران، استحکام مرزهای خانواده، استقلال در تصمیمات دوتایی، حفظ اسرار زوجی از دیگران، حفظ حریم زناشویی از دخالت دیگران، بی توجهی به دخالت های بی مورد خانواده ها، ایجاد سیستم مستقل زوجی	حفظ استقلال خانواده

تفکر سالم	خودآگاهی	تفکر در مورد خود و خودآگاهی، آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از اهداف زندگی، آگاهی از توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود، آگاهی از ارزش‌های خود، آگاهی از برنامه‌های زندگی و مسیر کنونی، آگاهی از ارزش‌ها و ارمان‌های زندگی شخصی، آگاهی نسبت به اهداف و خواسته‌ها
	مسئولیت پذیری	احساس مسئولیت در برابر خانواده، انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، عمل به وظایف خود به طور کامل، آگاهی از مسئولیت‌های خود در زندگی زناشویی
	اعتماد به نفس	اعتماد به خود، اعتماد به توانایی خود در مورد حل مسائل زندگی، مصمم بودن در کارهای شخصی، مصمم بودن در دنبال کردن برنامه‌های زندگی، ناچیز شمردن مشکلات پیش رو، اطمینان خاطر، تکیه بر نقاط قوت
	تفکر سالم	کنار گذاشتن مسائل بی‌اهمیت گذشته، اعتقاد به اینکه هیچکس نمی‌تواند کامل باشد، نداشتن افکار آسیب‌زا، اعتقاد به نسیب بودن حوادث زندگی، بی‌اعتنایی به خرافات عامیانه، استفاده از زبان منطقی، پذیرفتن تفاوت‌های بین مردان و زنان، نداشتن انتظارات غیر واقع‌بینانه، اعتقاد به گذرا بودن مشکلات، توانایی تفکر منطقی
	انعطاف پذیری	آمادگی برای تغییر در موارد ضروری، تنوع و در ارتباط و امور زندگی، تغییر دیدگاه‌ها پس از ازدواج، ایجاد تغییرات رفتاری در خود به تناسب مراحل زندگی، دوری از تعصبات بی‌مورد، تغییر و تعدیل دیدگاه‌های شخصی به نفع زندگی زناشویی، پرهیز از پافشاری بر افکار نادرست، تلاش برای رشد و تغییر
	خوش بینی	داشتن نگرش مثبت به زندگی، داشتن انگیزه و امید به زندگی، نگاه مثبت به زندگی، خوشبینی در مورد آینده، داشتن تفکرات مثبت و سازنده در مورد زندگی، امیدواری، برداشت مثبت از حوادث
	پختگی هیجانی	توانایی کنترل و آگاهی از عواطف، توانایی ابراز عواطف، ثبات هیجانی، استفاده درست از هیجانات در زندگی، آگاهی از احساسات و کنترل و تسلط کافی بر هیجانات
تفکر سالم	دلبستگی ایمن	اعتماد به زندگی و دیگران، داشتن احساس مثبت نسبت به دیگران، توانایی برقراری ارتباط سالم با دیگران، نداشتن اضطراب تنهایی، توانایی برقراری روابط صمیمی، عدم نگرانی از ترک شدن توسط دیگران، توانایی اعتماد به اطرافیان، نداشتن ترس و اضطراب در روابط صمیمانه، تعادل در صمیمیت و استقلال شخصی
	فضائل اخلاقی و معنوی	معنویت، پایبندی به اخلاقیات، قناعت، پرهیز از حسادت به دیگران، راستگویی، فضایل اخلاقی، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، کمک به دیگران، ایمان
	پایبندی به هنجارها	رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، مقدس دانستن ازدواج، حفظ حریم زناشویی، احترام به هنجارهای دینی

به: شاخص های ارتباطی	روابط حمایتی و محترمانه با خانواده اصلی	احترام به خانواده ها، روابط صمیمی و حمایتی با خانواده و اعضای فامیل، مشورت با والدین، احترام به جایگاه والدین، پشتیبانی و حمایت خانواده خود و همسر، احترام به دیدگاه های خانواده ها
----------------------	---	---

همان طور که جدول فوق نشان می دهد، چهار شاخص اصلی و ۲۳ مقوله از مصاحبه ها استخراج شده است. در ادامه به شرح مختصر هر کدام از شاخص ها پرداخته و نمونه هایی از عبارات مصاحبه شونده ها در مورد هر کدام ذکر می شود.

شاخص های تعاملی

زوج های حاضر در مصاحبه اذعان می داشتند، که خصوصیات و ویژگی های خاصی در رابطه زناشویی آنها وجود دارد، که این ویژگی ها، آنها را به سمت موفقیت و خوشبختی سوق داده است. این ویژگی ها، با توجه به جدول ۲، عبارت بود از: عشق و صمیمیت، حمایت و مراقبت، صداقت با همسر، اعتماد و تعهد، تفاهم، رضایت جنسی، همکاری، هدف و برنامه مشترک، تشویق رفتارهای سالم، مدیریت تعارض، مهارت های ارتباطی و حفظ استقلال خانواده

به عنوان مثال، مصاحبه شونده شماره ۲ می گوید: من و همسرم خیلی همدیگر را دوست داریم... من به همسرم عشق می ورزم و به او اعتماد دارم... در همه امور سعی می کنیم به اتفاق نظر رسیده و نظرات یکدیگر را درک می کنیم.

همچنین مصاحبه شونده شماره ۶ می گوید: من و همسرم به کسی اجازه دخالت در مسائل خصوصی زندگی را نمی دهیم... همسرم با من خیلی صادق هست... من فکر می کنم هدف همسرم، هدف من هم باشد. مصاحبه شونده شماره ۱۱ نیز می گوید: من سعی می کنم بهترین شریک جنسی برای همسرم باشم... خیلی از موفقیت های همسرم و شخصیت مناسب همسرم با تشویق های من حاصل شده... ما عاشقانه همدیگر را دوست داریم... من خیلی خوب می فهمم همسرم از من چه می خواهد و در ابراز خواسته ای خود به همسرم مشکلی ندارم.

شاخص‌های فردی

زوج‌های حاضر در مصاحبه از خصوصیات شخصیتی خاصی برخوردار بودند که موفقیت و رضایتمندی زناشویی آنها را بهبود می‌بخشید. این خصوصیات، با توجه به جدول ۲، عبارت بودند از: خودآگاهی، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، تفکر سالم، انعطاف‌پذیری، خوش‌بینی، پختگی هیجانی و دلبستگی ایمن. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید: من دقیقا می‌دانم چه توانمندی‌هایی دارم..... من به خودم اعتماد دارم و فکر می‌کنم هیچ وقت نباید با افکار بیهوده زندگی را خراب کرد..... از خصوصیات مثبت من این است که می‌توانم هیجانات منفی خود را کنترل نمایم. همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید: دیگران را دوست دارم و دوست دارم با همه صمیمی باشم..... از نزدیکی با دیگران هراسی ندارم و به دوستانم می‌توانم اعتماد نمایم. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید: من آدم مسئولیت‌پذیری هستم..... فکر می‌کنم آدم باید برخی اوقات تغییر کند تا مشکلات حل شود.

شاخص‌های فرهنگی

زوج‌های حاضر در مصاحبه اذعان می‌داشتند که برخی ویژگی‌های مربوط به فرهنگ ایرانی، زندگی آنها را حفظ کرده است و پابندی‌های فرهنگی را مبنای مهمی برای داشتن ازدواج شاد می‌دانستند. عوامل فرهنگی بدست آمده با توجه به جدول ۲، عبارت بودند از: فضایل اخلاقی و معنوی و پابندی به هنجارها. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید: من به ارزش‌های فرهنگ ایرانی احترام می‌گذارم..... من آدم صادق و ساده‌ای هستم و به معنویات خیلی اهمیت می‌دهم. مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: من به حجاب خیلی اهمیت می‌دهم و فکر می‌کنم رعایت ارزش‌های اخلاقی اساس زندگی مشترک است..... فضایل اخلاقی در زندگی من و همسر اهمیت زیادی دارد.

شاخص‌های مربوط به خانواده اصلی

در رابطه با خانواده اصلی، از آنجا که هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های بوده و تأکید بر زمان حال و لحظه کنونی دارد، تنها یک مقوله تحت عنوان، روابط سالم و حمایتی با خانواده اصلی شناسایی شد. زوج‌های موفق ارتباط سالم و حمایتی با خانواده مبدأ خود دارند و از مشورت و راهنمایی آنها استفاده می‌کنند. آنها احترام زیادی برای جایگاه والدین قایل هستند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: من کلا با خانواده‌ها ارتباط خوبی دارم با خانواده خودم و خانواده همسر. من از مشورت آنها استفاده می‌کنم..... و احترام خاصی برای خانواده خودم و همسر قایل هستم. البته ناگفته نماند که آنها نیز

خیلی از من و همسرم حمایت می کنند..... و برای ما کارهای زیادی انجام داده اند. کلا فکر می کنم جو عاطفی، صمیمی و گرمی بین ما وجود دارد.

نتیجه

همانطور که مشاهده شد، نتایج حاصل از این پژوهش شاخص های ازدواج موفق را در چهار طبقه اصلی جای داده است. این چهار طبقه عبارتند از شاخص های تعاملی، شاخص های فردی، شاخص های فرهنگی و شاخص های مربوط به خانواده اصلی. نتایج بدست آمده تا حدودی با نتایج حاصل از تحقیقات گذشته همسو می باشد (Asoodeh & et all, 2010؛ Karimi Sani & Fathi Ashtiani & Ahmadi, 2004؛ Sayadpoor, 2002؛ et all, 2010). از طرفی در پژوهش حاضر، برخلاف پژوهش های پیشین، دامنه گسترده ای از متغیرها مورد مطالعه قرار گرفته و در آن نه تنها عوامل تعاملی بلکه خصوصیات شخصیتی زوج ها، عوامل فرهنگی و عوامل خانوادگی نیز لحاظ گردیده است. با مطالعه ادبیات پژوهش می توان گفت ازدواج موفق یک پدیده چند بعدی بوده و شناسایی آن نیازمند تلاش زیاد و مطالعه در حوزه های گوناگون می باشد. موفقیت در ازدواج تنها در شرایطی ممکن است که زوج ها دسته ای از مهارت های بین فردی و مجموعه ای از صفات فردی را به همراه داشته باشند. سازگاری زناشویی و رضایت از رابطه، نیازمند این است که زوج ها از روش های تقویت رابطه آگاه بوده و صفات مطلوب را در خود پرورش دهند. بسیاری از مطالعات، عواملی همچون، صداقت، مهارت های ارتباطی، تفاهم، برابری، هدفمندی، مسئولیت پذیری، تشریک مساعی، اعتماد به نفس، عزت نفس، معنویت، روابط دوستانه، عشق و اعتماد را لازمه یک زندگی موفق دانسته اند (Asoodeh & et all, 2010). صفات شخصیتی هر فردی نقش برجسته ای در نحوه تعاملات بین فردی او دارد. ویژگی ها و صفات فردی هر یک از اعضای زوج می تواند سلامت و یا شکست در رابطه را پیش بینی کند. از میان صفات فردی که بیشتر مورد تاکید است می توان به اعتماد به نفس، ایمان، هدفمندی، تفکر منطقی، دلبستگی ایمن و پختگی هیجانی اشاره کرد (Mckenzie, 2003؛ Birashk, 2009؛ Hall, 2006). آنچه که مسلم است این است که موفقیت و رضایت زناشویی بدون برخورداری از این صفات، پایدار و قابل اتکا نخواهد بود.

در کنار عوامل ذکر شده، نقش عوامل فرهنگی را نیز نمی توان نادیده گرفت. فرهنگ کشور ما، دارای خصوصیات جمع گرایی بوده که در آن، خصایصی از قبیل گذشت، فداکاری و ایثار برای دیگران، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بیش از پیش فضایل اخلاقی، معنویت و قناعت را مورد تاکید قرار داده و از فردگرایی و صفات خودخواهانه دوری می جوید. در چنین

فرهنگی، تحت لوای آیین اسلام، نهاد خانواده، از قداست خاصی برخوردار بوده و تعهد به روابط زناشویی و حفظ حریم زناشویی به شدت مورد تاکید قرار گرفته است (Mahlouji, 1992). پابندی به ارزش‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌تواند عامل مهمی در ثبات و دوام روابط زناشویی باشد (Meshkini, 1980). بسیاری از مطالعات بر نقش مذهب در پایداری و رضایت زناشویی تاکید کرده‌اند. یک نتیجه رایج برای ازدواج‌هایی که در خارج از شریعت مذهب شکل می‌گیرد، آسان شدن طلاق است. در طول تاریخ، زوج‌ها برای ازدواج، آداب و رسوم فرهنگی را رعایت کرده و ازدواج آنها یک قرارداد اجتماعی و در بسیاری مواقع همراه با شاهد بوده است (James & Wilson, 2002؛ Thornton & et all, 2007؛ Mahlouji, 1992). همچنین لهر (Lehrer, 2006) معتقد است، پابندی به ارزش‌های مذهبی، رعایت اصول اخلاقی و کسب فضیلت‌های انسانی می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش داده و احتمال طلاق را به طور چشم‌گیر، کاهش دهد.

برخی عناصر دخیل در یک ازدواج موفق را باید در خانواده اصلی زوج‌ها جستجو نماییم. خانواده‌درب‌گیرنده عمیق‌ترین پیوند‌های روانی و اجتماعی است که انسان به عنوان موجودی زیستی، روانی و اجتماعی در این محیط فرایند انسان شدن را تجربه می‌کند، از این رو سلامت خانواده با سلامت جسمانی، روانشناختی، اجتماعی و اخلاقی اعضای جامعه همراه است (Segrin & Flora, 2005). متخصصان خانواده معتقدند که مشکلات و آسیب‌های روانی-اجتماعی افراد برگرفته از روابط درون خانوادگی است، از این رو خانواده می‌تواند از سویی کانون شکل‌گیری مشکلات و از سوی دیگر محور التیام بخشی و درمان مشکلات باشد (Birashk, 2009). داشتن یک خانواده سالم و حمایت‌کننده نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت سالم فرزندان و تعیین روابط بین فردی آنها برعهده دارد. حمایت والدین و نحوه برخورد آنها با ازدواج فرزندان از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در ازدواج سالم و پایدار به شمار می‌رود (Segrin & Flora, 2005).

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که ازدواج موفق پدیده‌ای چندبعدی بوده که با روش‌های کمی محدود نمی‌توان به خوبی در مورد آن قضاوت کرد این یافته‌ها، کاربردهای نظری و عملی را القاء می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای محققان در جهت تدوین یک نظریه جامع در زمینه ازدواج ایرانی بوده و در سطح عملی می‌تواند کمک‌شایان توجهی به مشاوره ازدواج و درمان مشکلات زناشویی ارائه دهد. از طرفی نتایج بدست آمده در تدوین محتوای مشاوره پیش از ازدواج مثر ثمر خواهد بود. امروزه بسیاری از زوج‌ها نیازمند آن هستند تا از رازهای موفقیت در زندگی زناشویی

مطلع گردند. نتایج پژوهش حاضر و پژوهش های مشابه می تواند کمک قابل توجهی در تحکیم نهاد ازدواج و خانواده در قالب فرهنگ بومی کشورمان ارائه نماید. پژوهش حاضر از محدودیت های نیز برخوردار است. از جمله عدم امکان نمونه گیری از خرده فرهنگ های گوناگون و بعضاً متضاد ایرانی و عدم تفکیک ازدواج های سنتی و غیر سنتی، که این مساله تعمیم نتایج به جامعه ایرانی را دشوار می سازد. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش بنیادی می باشد، هدف آن ایجاد و طراحی نظریه بوده و تعمیم نتایج در اولویت کار قرار ندارد. پیشنهاد می شود پژوهش های آتی گام مهمی در تفکیک قومیت ها ایرانی بردارند و برای هر خرده فرهنگ، شاخص های خاص خود آن خرده فرهنگ را تدوین نمایند. همچنین پیشنهاد می شود، نتایج پژوهش حاضر در یک نمونه گسترده به صورت کمی مورد آزمون قرار گرفته تا قابلیت تعمیم آن به جامعه ایرانی فراهم گردد. لازم به ذکر است، که تفکیک ازدواج های سنتی و غیر سنتی و تفکیک طبقات اجتماعی-اقتصادی در این زمینه نیز می تواند مثر و ثمر واقع گردد.

References

- Sanaei, B. (2008). *Family and marriage scales*. Tehran: beesat publications.
- Sarookhani, B. (2006). *An introduction to family sociology*. Tehran: Srosh publications.
- Sattir, V. (2009). *Humanity in family psychology*. Translated by behrooz birashk. Tehran: Roshd publications.
- Sayadpoor, Z. (2002). *Successful marriage: The investigation of marital satisfaction in students*. Islamic Azad University. Tehran southern.
- Abdollahzadeh, H. (2002). *Marital satisfaction and equivalence couples*. Congress of students marriage. Sfehan: industrial university.
- Fathi ashtiani, A. Ahmadi, Kh. (2004). *The investigation of successful and not successful marriages in students*. *Tow monthly journal of behaviour scientific*. 7. 9-16.
- Gholizadeh, A. (1999). *The effect of equivalence marriage in Marital satisfaction*. *Once congress of marriage*. Azad University: Khorasgan branch.
- Karimi Sani, P., Smaily, M., Falsafinejad, M.R., Shafiabadi, A. Farahbakhsh, K. Ahiaii, K. (2010). *Providing the content of premarital counselling based on identifying spiritual and moral factors that predict successful marriage in tabrizian couples*. *Journal of women and family studies*. 7. 121-132.
- Mohsenzadeh, F. (2010). *The investigation of marital dissolution factors in traditional and modern marriages*. Phd thesis. Tehran. Kharazmi University.
- Mahlouji, H. (1992). *Family in Islam*. Tehran: tarbiat moallem university publications.
- Meshkini, A. (1980). *Marriage in Islam*. Ghom: yaser publications.
- Masahebi, M.R. (2002). *The relationship between similarities on personality traits and marital satisfaction in couples*. *journal of science and research*. 11&12. 117-134.
- Asoodeh, M.H. Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M.GH. (2010). *Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples*. *Social and behavioral sciences*. 5. 2042-2046.

- Bramlett, M.D. & Mosher, W.D.(2001). *First marriage dissolution , divorce and remarriage* : united states. Hyattsville, M.D: Ntionalcenter for health statistics.
- Bradbury, T.N., Fincham, F.D. & Beach, S.R.H.(2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction. *Journal of marriage and family* .vol. 62. Pp. 964-980.
- Hall, S.S.(2006). Marital meaning: exploring young adults belief systems about marriage. *Journal of family issues*. 27. 1437-1458.
- James.A.L&Wilson.K.(2002). *Couples, conflict and change*. Taylor & Francis e-Library.
- Kim, H.K. & Mckenry, P.C.(2002). The relationship between marriage and psychological well-being. *Journal of family issues*. 23. 885-911.
- Krahn.G& Putnam.M. (2003). Qualitative research methodologies. In M. Roberts and S. Ilardi (Eds.), *Methods of research in clinical psychology: A handbook* (PP. 176-195). New York: Blackwell Publishers.
- Lehrer, E. (2006). *Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis*. University of Illinois at Chicago and IZABONN.
- Luquet, W.(2007). *Short term couple therapy*. London: Taylor & Francis Group.
- Madathil.J., & Benschoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *The Family Journal*. 16(3). 222-230.
- Mckenzie, P.T.(2003). *Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples*. In partial fulfillment of the requirements for the degree of philosophy. Harvard university.
- McLeod, J. (2001). *Qualitative Research in Counseling and Psychotherapy*. London: SAGE Publications.
- Myers, J.E. , Madathil, J. & Tingle, L.R.(2005). Marriage satisfaction and wellness in india and the U.S: a preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of counseling and development*. 83. 183-190.
- Olson, D.H. & Olson, A.K.(2000). National survey of marital strengths, retrieved april, 2003. From <http://www.prepare-enrich.com/research>.
- Ross, C.E. & Mirowsky, J. (1999). Parental divorce, life-course disruption and adult depression. *Journal of marriage and family*. 61. 1034-1045.
- Segrin, C. & Flora, J.(2005). *Family communication*. London: Lawrence Erlbaum associates publishers.
- South, S.J.(2001). The variable effects of family background on the timing of first marriage: united states 1969-1993. *Social science research*. 30. 606-626.
- Strauss A.L, Corbin J.M. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. California: SAGE Publications, Inc.
- Thornton, A. & Xie, U.(2007) *Marriage and cohabitation*. The University of Chicago Press.
- Wolfinger, N.H.(2003). Parental divorce and offspring marriage: early or late. *Social forces*. 82. 337-353.